

# به نام خدا



# دانشگاه تهران دانشکده مهندسی برق و کامپیوتر درس شبکههای عصبی و یادگیری عمیق

پروژه شماره 2

محسن فياض - محمدرضا عظيمي	نام و نام خانوادگی
810100521 - 810100524	شماره دانشجویی
سەشنبە، 10 خرداد 1401	تاریخ ارسال گزارش

### فهرست گزارش سوالات

### سوال Stock Market Prediction - 1

الف) شبکه را با سلولهای GRU ، LSTM و RNN طراحی کنید و عملکرد هر یک را با دیگری مقایسه و تحلیل نمایید. همچنین زمان آموزش برای تعدادی ایپاک مشخص برای هر یک از شبکه ها اندازه بگیرید و دلیل تفاوت را شرح دهید.

1

36

ب) نحوهی عملکرد شبکه برای دو تابع هزینهی MSE و MAPE را بررسی کنید و نتایج بدست آمده و تفاوت این تابع را به صورت دقیق در گزارش خود ذکر کنید.

ج) نحوه ی عملکرد شبکه برای روشهای بهینه سازی متفاوت ADAgrad ، Adam و RMSprop را بررسی کنید. نتایج بدست آمده و تفاوت این بهینه سازها را به صورت دقیق در گزارش خود ذکر کنید.

د) تاثیر dropout بر سلولهای بازگشتی را روی شبکههای طراحی شده بررسی کنید.

### 20 Text Generation – 2

الف) مدلی مبتنی بر شبکه عصبی بازگشتی را طراحی کنید که بتواند 200 حرف متن را تولید نماید و نمودار خطا و صحتِ مدل را رسم کنید. همچنین ذکر کنید به چه دلیل پیش پردازش انتخاب شده میتواند باعث بهبود مدل شود (برای آموزش حداقل 3 ایپاک در نظر بگیرید. همچنین انتخاب مناسب پارامترهای مدل بر عهده دانشجو میباشد)

ب) با استفاده از 2 تابع زیان دیگر خطای مدل را ارزیابی کنید.

ج) با استفاده از 2 معيار متفاوت عملكرد مدل را بررسي كنيد. (اين معيارها ميتواند شامل تعداد ايپاك، بهينه ساز و ... باشد.)

د) چگونه حافظه سلولهای عصبی استفاده شده در مدل شما در عملکرد مدل موثر است.

### سوال Contextual Embedding + RNNs - 3

1 -چه پیش پردازش هایی روی داده ها صورت گرفته است؟ نام ببرید و در خصوص هر یک توضیح مختصری ارائه دهید (اگر به نظرتان پیش پردازش های دیگری نیز برای دادگان نیاز است، آن ها را نام برده و اعمال کنید).

2 -به کمک bert و یکی از ماژول های حافظه (gru یا rnn ،lstm) یک مدل طراحی کنید و روی داده ها آموزش دهید. نمودار دقت، نمودار closs و ماتریس آشفتگی را رسم کنید.

3 -در قسمت 2 ،به جای bert ال hatebert استفاده کنید.

4 -نتایج قسمت 2 و 3 را با هم مقایسه کرده و علت طراحی شدن مدل هایی نظیر hatebert را توضیح دهید. 44

5) -امتیازی) به جای استفاده از bert در قسمت 2 ،از مدل T5 استفاده کنید. ویژگی منحصر به فرد این مدل نسبت به مدل های قبل چیست؟

امتيازي 91 درصد

### سوال 1 – Stock Market Prediction

الف) شبکه را با سلولهای GRU، LSTM و RNN طراحی کنید و عملکرد هر یک را با دیگری مقایسه و تحلیل نمایید. همچنین زمان آموزش برای تعدادی ایپاک مشخص برای هر یک از شبکه ها اندازه بگیرید و دلیل تفاوت را شرح دهید.

ابتدا داده را میخوانیم و به شکل مناسب برای مدل می کنیم.

```
1 df_goog = pd.read_csv("GOOG.csv", sep=" ")
    df_aapl = pd.read_csv("AAPL.csv", sep=" ")
    df_aapl
                      High
                                                                   Volume Adj Close
           Date
                                                        Close
                                   Low
                                             0pen
      2010-01-04
                 30.642857
                             30.340000
                                                   30.572857 123432400.0 26.601469
                                        30.490000
      2010-01-05
                  30.798571
                             30.464285
                                        30.657143
                                                    30.625713
                                                              150476200.0
      2010-01-06 30.747143
                             30.107143
                                        30.625713
                                                    30.138571
                                                              138040000.0
      2010-01-07 30.285715
                             29.864286
                                        30.250000
                                                    30.082857
                                                              119282800.0
                                                                            26.175119
      2010-01-08
                  30 285715 29 865715
                                        30 042856
                                                    30 282858
                                                              111902700 0
                                                                           26 349140
2259 2018-12-24 151.550003 146.589996 148.149994 146.830002
                                                               37169200.0 144.656540
2260 2018-12-26 157.229996 146.720001 148.300003 157.169998
                                                               58582500.0 154.843475
2261 2018-12-27 156.770004 150.070007 155.839996 156.149994
                                                               53117100.0 153.838562
2262 2018-12-28 158.520004 154.550003 157.500000 156.229996
                                                               42291400.0 153.917389
2263 2018-12-31 159.360001 156.479996 158.529999 157.740005 35003500.0 155.405045
     data = np.column_stack((np.array(df_goog["Close"]), np.array(df_aapl["Close"])))
     SEQ LENGTH = 30
     inputs, outputs = [], []
     for i in tqdm(range(0, len(data) - SEQ_LENGTH - 1, 1)):
        inputs.append(data[i: i + SEQ LENGTH])
        outputs.append(data[i + SEQ_LENGTH + 1])
     x_{train}, x_{test}, y_{train}, y_{test} = train_{test_split}(np.array(inputs), np.array(outputs), test_size=0.1, random_state=42)
    x_train.shape, y_train.shape, x_test.shape, y_test.shape
                                        2233/2233 [00:00<00:00, 67270.10it/s]
((2009, 30, 2), (2009, 2), (224, 30, 2), (224, 2))
```

شکل 1 - بارگذاری و پیشپردازش داده

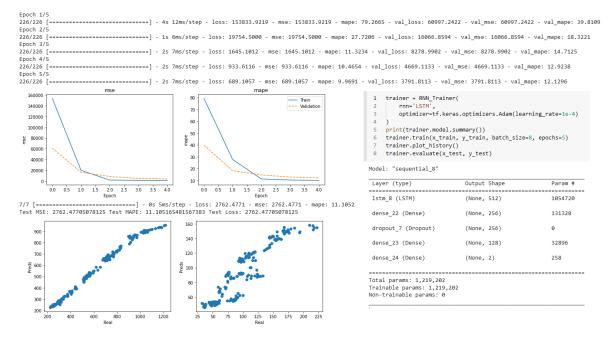
همانطور که مشخص است داده ورودی 30 در 2 است و خروجی 2 که یعنی زمان بعدی این 30 واحد زمانی است.

کد مدل و آموزش آن در زیر آمده است.

```
"SimpleRNN": tf.keras.layers.SimpleRNN(units, dropout=0.1),
        "GRU": tf.keras.layers.GRU(units, dropout=0.1),
        "LSTM": tf.keras.layers.LSTM(units, dropout=0.1),
    model = tf.keras.Sequential([
        tf.keras.layers.Input(shape=(30, 2)),
        rnn_map[self.rnn],
        {\tt tf.keras.layers.Dense(256,\ activation=self.activation\_function),}
        tf.keras.layers.Dropout(0.1),
        tf.keras.layers.Dense(128, activation=self.activation_function),
        tf.keras.layers.Dense(2)
    model.compile(
        {\tt optimizer=self.optimizer,}
        loss=self.loss_function,
        metrics=['mse', 'mape']
    return model
def train(self, inputs, outputs, batch_size=8, epochs=5):
    early_stopping = tf.keras.callbacks.EarlyStopping(
        monitor='val_loss',
        verbose=1,
        patience=3,
        mode='min',
        restore_best_weights=True
    self.history = self.model.fit(
        inputs, outputs,
        batch_size=batch_size,
        epochs=epochs,
        verbose=1,
        validation_split=0.1,
        callbacks=[early_stopping],
def plot_history(self):
    fig = plt.figure(figsize=(12, 4))
    metrics=['mse', 'mape']
for n, metric in enumerate(metrics):
        plt.subplot(1, 2, n+1)
        plt.plot(self.history.epoch, self.history.history[metric], label='Train')
        \verb|plt.plot(self.history.epoch, self.history.history[f"val_{metric}"], \ linestyle="--", \ label='Validation')| \\
        plt.xlabel('Epoch')
        plt.ylabel(metric)
        plt.title(metric)
    plt.legend()
    plt.show()
def evaluate(self, x_test, y_test):
    [loss, mse, mape] = self.model.evaluate(x_test, y_test)
    print("Test MSE:", mse, "Test MAPE:", mape, "Test Loss:", loss)
```

کد 1 - ساخت مدل، آموزش و ارزیابی آن

نتیجه مدل LSTM در زیر آمده است.



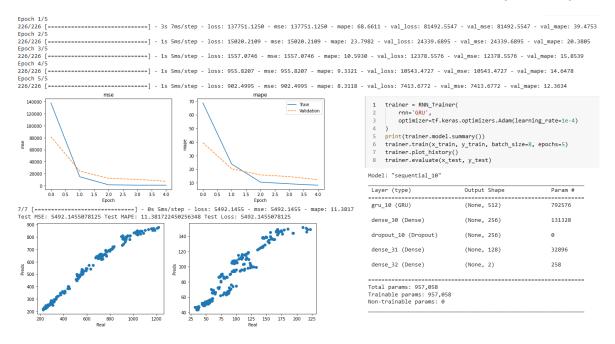
شكل 2 - نتيجه مدل LSTM

در نمودار مشخص است که لاس به خوبی کاهش یافته، و در انتها مقادیر پیش بینی شده نیز با مقادیر اصلی کوریلیشن مثبت خوبی دارند که نشان میدهد مدل به خوبی آموزش دیده است.

Test MSE: 4409.8623046875 Test MAPE: 12.683538436889648

مقدار لاسها برای تست نیز در بالا آمده است. و زمان اجرا در مجموع 8 ثانیه است. تعداد یارامتر نیز 1,219,202 است.

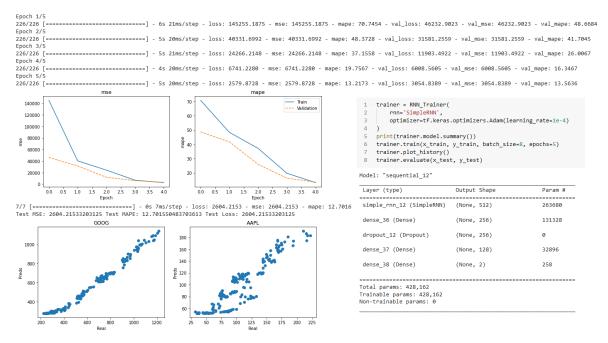
### در زیر نتیجه اجرای GRU آمده است.



شكل 3 - نتيجه مدل GRU

Test MSE: 3080.09228515625 Test MAPE: 9.103705406188965

در این بخش هم مدل به خوبی آموزش دیده است و زمان اجرا در مجموع 7 ثانیه است. تعداد پارامتر نیز 957,058 است. در مورد تفاوتهای مدلها و علت این نتایج در آخر توضیح میدهیم. نتیجه اجرا با RNN معمولی در زیر آمده است.



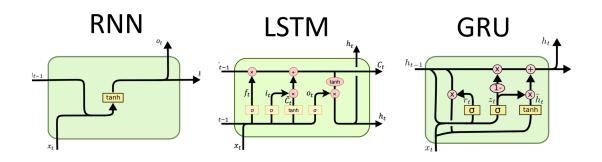
شكل 4 - نتيجه مدل SimpleRNN

Test MSE: 2009.743896484375 Test MAPE: 11.870356559753418

این بخش کمی نتایج از دو بخش قبل بدتر است و زمان اجرا در مجموع 25 ثانیه است که خیلی کندتر از بقیه است. تعداد پارامتر نیز 428,162 است.

حالاً به توضیح تفاوتها و علتشان می پردازیم. ابتدا باید توضیح کلی در مورد این 3 مدل بدهیم.

در شكل زير ساختار معماري RNN و GRU و LSTM آمده است.



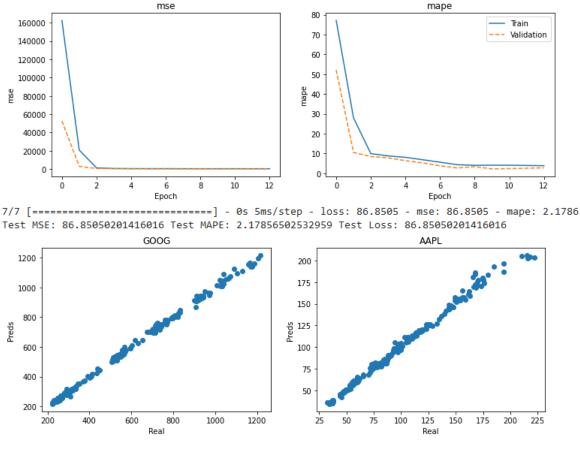
شکل 5 - ساختار مدلهای حافظه محور زمانی

معماری LSTM سه گیت دارد. گیت سمت چپ forget gate سیگموید دارد و با ضرب خروجی آن که بین 0 و 1 است، مشخص می کند که محتویات muیگموید دارد و با ضرب خروجی آن که بین 0 و 1 است، مشخص می کند که محتویات state گذشته چقدر نگهداری شود. (توجه داشته باشید که این مقدار یک عدد نیست و به ازای هر بعد این عدد وجود دارد و می تواند بعضی ابعاد را فراموش و بعضی را نگه دارد.) گیت وسط input gate است که مشخص می کند چه مقدار از ورودی جدید وارد cell state شود که با ضرب سیگموید در مقدار ورودی که از tanh رد شده و در انتها جمع آن با cell state انجام می شود. در سمت راست output gate وجود دارد که ترکیب hidden state و همچنین به عنوان می شود.

hidden و cell state مهمترین تفاوتی که دارد این است که به جای دو خط GRU مهمترین تفاوتی که دارد این است که به جای دو خط انتقال hidden state دارد. گیت سمت چپ state است که با ضرب خروجی بعد از سیگموید در h مرحله قبلی تأثیر آن را در ترکیب با ورودی جدید مشخص می کند. سمت راست نیز update gate است که خروجی بعد از سیگموید را همزمان استفاده می کند تا میزان اضافه کردن مقدار جدید بر روی h را مشخص کند و همچنین با استفاده از

معکوس آن و ضربش در h قبلی تاثیر آن را کاهش می دهد. در مجموع GRU نسبت به MSTM محاسبات کمتری دارد و با سرعت بیشتری می تواند اجرا شود، و در مقابل آن، پیچیدگی های بیشتر LSTM پتانسیل یادگیری بیشتر و انعطاف بیشتر در انتقال اطلاعات را دارد.

در آزمایشها ابتدا دیدیم که نتایج به ترتیب بهتر بودن از نظر لاس (کم بودن لاس) ابتدا مدل STM و درنهایت LSTM بود. اما باید گفت که این نتیجه برای تعداد ایپاک ثابت برای هر 3 مدل است. و چون ترتیب تعداد پارامتر هم از کم به زیاد همین ترتیب است، طبیعتا در تعداد ایپاک محدود، مدلی که کمتر پارامتر دارد می تواند نسبتا سریعتر آپدیت شده و نتیجه نسبتا کمی بهتر بگیرد. برای بررسی بهتر یک بار دیگر بدون محدودیت ایپاک اجرا کردیم که مقادیر لاس و ایپاکی که با early stopping متوقف شدیم در زیر آمده است. تصویر LSTM هم بعد از اجرای کامل برای نمونه آمده است که نشان می دهد خیلی بهتر می تواند پیش بینی کند نسبت به عکسهای قبلی که بعد 5 ایپاک بودند.



شکل 6 - پیش بینی دقیق مدل LSTM بعد از آموزش به تعداد ایپاک کافی

### **LSTM**

Epoch 13: early stopping

Test MSE: 86.85050201416016 Test MAPE: 2.17856502532959

**GRU** 

Epoch 17: early stopping

Test MSE: 94.48188781738281 Test MAPE: 1.9911469221115112

**SimpleRNN** 

Epoch 10: early stopping

Test MSE: 132.11981201171875 Test MAPE: 3.297455072402954

بر اساس مقدار لاس میبینیم که LSTM از نظر MSE بهترین بوده است که بر اساس پیچیدگی هایی که دارد و در بالا توضیح داده شد و تعداد پارامتر بیشترش منطقی است. سپس GRU است که نسبت به LSTM ساده تر است ولی باز مکانیزم فراموشی را دارد و توانسته در مقام دوم باشد. و در آخر مدل RNN ساده است که بخاطر همان سادگی و پارامتر کمتر طبیعتا نباید انتظار زیادی از آن داشت.

در مورد زمان اجرای 5 ایپاک دیدیم که SimpleRNN از همه کندتر و سپس LSTM و سریعترین مدل GRU بود. بین LSTM و GRU مشخص است که LSTM توضیح داده شد پیچیده تر است و پارامتر بیشتر دارد و همین معادل کندتر شدن مدل است. اما مدل SimpleRNN با وجود اینکه پارامتر کمتری دارد اما بیشتر زمان می برد. طبیعتا بخاطر ساختار ساده تر و پارامتر کمتر باید این مدل سریعتر می بود. با کمی جستجو به نظر مشکل از پیاده سازی است همانطور که مناطور که در اینک الته اینک الته اینک الته اینک الته الته موازی سازی که و بهینه سازی آن تأثیر بسیاری دارد چون هر بهینه سازی ضربدر تکرارهای بسیار مدل می شود و همینکه مدل GRU و SimpleRNN و GRU یک ورژن جلوتر از SimpleRNN نسبت به آنها باشد.

# ب) نحوهی عملکرد شبکه برای دو تابع هزینهی MSE و MAPE را بررسی کنید و نتایج بدست آمده و تفاوت این تابع را به صورت دقیق در گزارش خود ذکر کنید.

تابع هزینه MSE: این تابع مقدار loss را بر اساس میانگین فاصله ی مربعی مقادیر پیش بینی شده و مقادیر اصلی هدف محاسبه می کند.

MSE = 
$$\frac{1}{n} \sum_{i=1}^{n} (y_i - \tilde{y}_i)^2$$

شكل 7 - تابع MSE

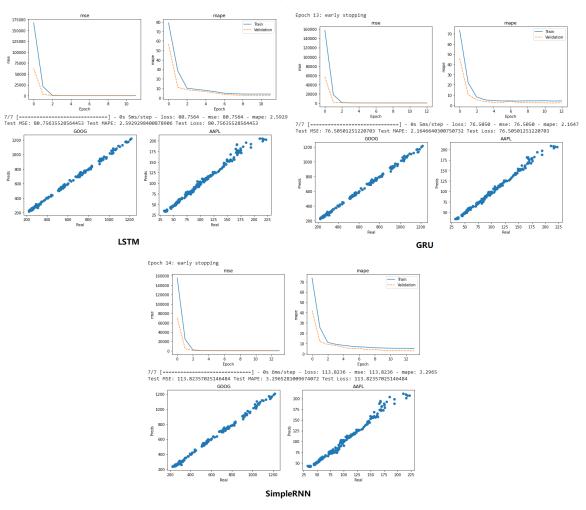
تابع هزینه MAPE: در ابن تابع برای محاسبه loss ابتدا اختلاف بین مقدار پیشبینی شده و هدف را محاسبه کرده و بر مقدار پیش بینی شده تقسیم میکنیم. سپس قدر مطلق این مقدار را محاسبه کرده و بین نمونه ها میانگین می گیریم.

این تابع بر اساس فرمول زیر کار می کند:

$$MAPE = \frac{1}{n} \sum_{t=1}^{n} \left| \frac{A_t - F_t}{A_t} \right|$$

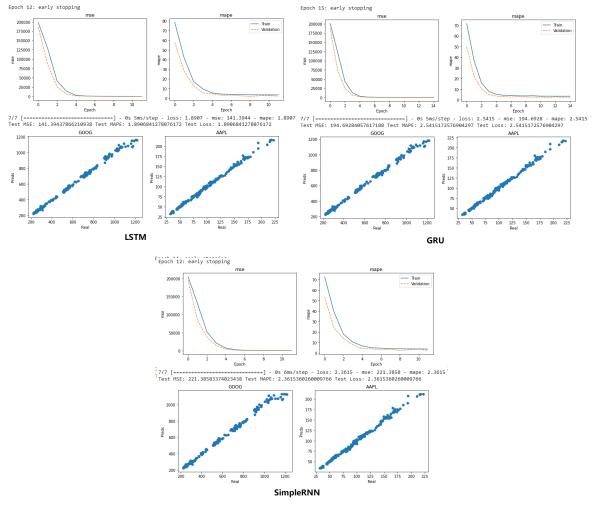
شكل 8 - تابع MAPE

# ابتدا هر سه مدل را با استفاده از mse اجرا می کنیم.



شكل 9 - نتيجه اجرا با MAE

سپس هر سه مدل را با استفاده از MAPE اجرا کردیم.



شكل 10 - نتيجه اجرا با MAPE

همانطور که دیده می شود لاس روی هر کدام باشد، آن کمتر می شود و دیگری بیشتر (در کل روند نزولی است، منظور مینیمم است). تمام اطلاعات و مقادیر مورد نیاز در شکل ها آمده است. به عنوان نمونه با MAE مدل LSTM نتیجه

Test MSE: 80.75635528564453 Test MAPE: 2.5929298400878906 داشت و بعد با MAPE به نتیجه زیر رسید.

Test MSE: 141.39437866210938 Test MAPE: 1.8906841278076172

که دقیقا نشان میدهد در هر کدام، آن که در حال کاهشش بودیم روی داده تست نیز کمتر شده. البته همانطور که گفته شد هر دو لاس های مناسبی هستند و در هر دو حالت به نتیجه مطلوب رسیدهایم. توضیح تئوری لاس ها در بالاتر آمده است.

برای اطمینان از منظور سوال چون کمی گنگ است، یک متریک سوم هم در نظر میگیریم که کوریلیشن است و با scipy.stats.pearsonr آن را محاسبه می کنیم تا ببینیم بعد از آموزش با هر کدام از لاس ها کدام توانسته کوریلیشن بیشتری ایجاد کند.

این مقدار برای LSTM و MAE برابر زیر شد.

GOOG Correlation: (0.9990796326872471)

AAPL Correlation: (0.9962182328049571)

و وقتی با MAPE آموزش دادیم برابر مقدار زیر شد.

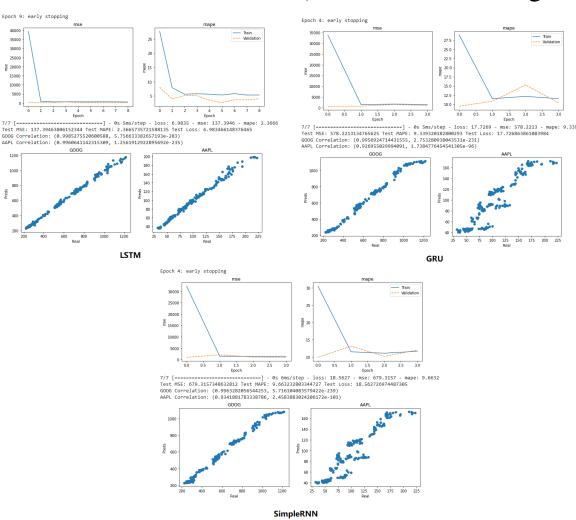
GOOG Correlation: (0.9979924821111592)

AAPL Correlation: (0.9982331305651372)

دیده می شود که این مقدار برای یک کلاس بهتر و برای دیگری کمی بدتر شده است. اما در مجموع، کوریلیشن انقدر بزرگ هست که نشان دهد هر دو لاس برای آموزش به خوبی عمل کردهاند.

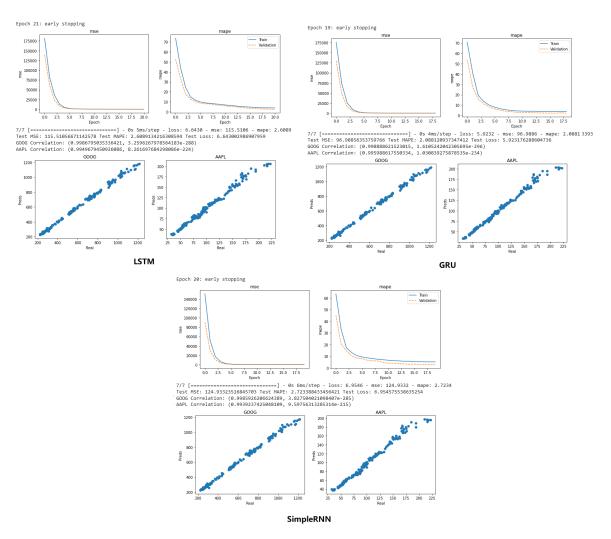
# ج) نحوه ی عملکرد شبکه برای روشهای بهینه سازی متفاوت ADAgrad ،Adam و RMSprop را بررسی کنید. نتایج بدست آمده و تفاوت این بهینه سازها را به صورت دقیق در گزارش خود ذکر کنید.





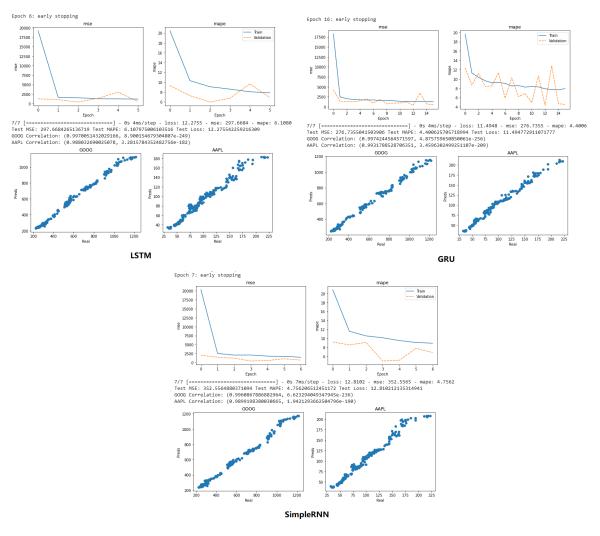
شكل 10 - نتيجه اجرا با ADAM

سپس نتیجه اجرا با ADAGRAD را میآوریم.



شكل 11 - نتيجه اجرا با ADAGRAD

و در نهایت نتیجه اجرا با بهینه ساز RMSprop را میآوریم.



شكل 12 - نتيجه اجرا با RMSprop

در مقایسه می بینیم که در این مثال خاص adagrad بهترین عملکرد، سپس adagrad و در آخر RMSProp است. بین magrop و momentum میتوان گفت چون روش momentum و momentum است (رجوع شود به مقاله راجوع شود به مقاله (https://arxiv.org/abs/1412.6980) نشان داده شده از تک تک این دو بهتر میتواند عمل کند و اینجا هم دیدیم. برای تحلیل دقیق تر در زیر توضیح هر کدام را به طور کامل می دهیم. خند و اینجا هم دیدیم. برای تحلیل دقیق تر در زیر توضیح هر کدام را به طور کامل می دهیم. داریم به اشاره کرد که این روش آزمایش برای مقایسه اصلا قابل اتکا نیست چون مخصوصا داریم به هایپرپارامترهای دیگر می تواند تاثیرگذار باشد و بررسی به شکلی که بتوان از آن نتیجه قطعی گفت خودش یک مقاله می شود.

ADAgrad: در روش ADAgrad یا ADAgrad، بجای استفاده از مجموع گرادیان ها مثل momentum، مجموع مجذور آن ها را نگهداری می کند و از آن برای تطبیق گرادیان در جهات مختلف استفاده می کند:

sum\_of\_gradient\_squared = previous\_sum\_of\_gradient\_squared + gradient²
delta = -learning\_rate \* gradient / sqrt(sum\_of\_gradient\_squared)

theta += delta

RMSprop: مشکل AdaGrad این است که سرعت آن بسیار کند است. این به این دلیل است که مجموع مجذور گرادیان ها چون مثبت است فقط رشد می کند و هرگز کوچک نمی شود. بنابراین Root Mean Square Propagation یا RMSProp برطرف می کند:

sum\_of\_gradient\_squared = previous\_sum\_of\_gradient\_squared \*
decay\_rate + gradient² \* (1- decay\_rate)

delta = -learning\_rate \* gradient / sqrt(sum\_of\_gradient\_squared)

theta += delta

Adam: روش Adam یا Adam خوبی های هر دو روش قبلی را دارد و طبق تجربه عملکرد خوبی دارد. در نتیجه به انتخاب اول در حل مسائل یادگیری عمیق بدل شده است. این روش بصورت زیر عمل می کند:

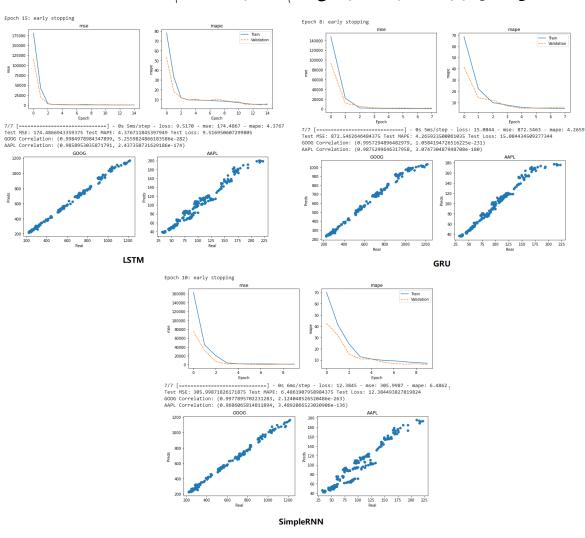
sum\_of\_gradient = previous\_sum\_of\_gradient \* beta1 + gradient \* (1 beta1) [Momentum]

```
sum_of_gradient_squared = previous_sum_of_gradient_squared * beta2 +
gradient^2 * (1- beta2) [RMSProp]
```

$$theta \mathrel{+=} delta$$

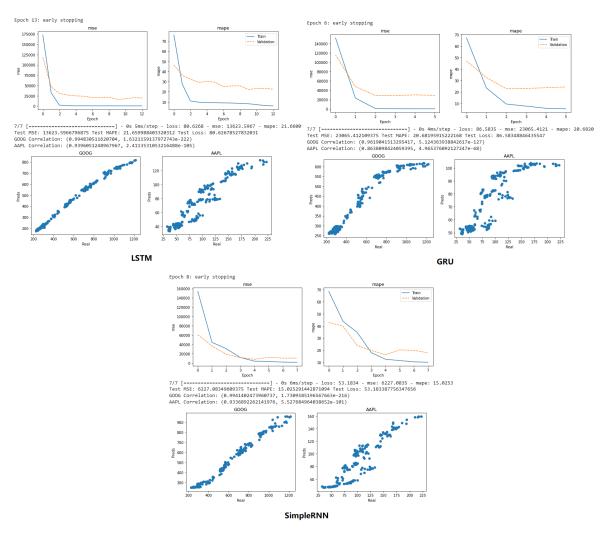
# د) تاثیر dropout بر سلولهای بازگشتی را روی شبکههای طراحی شده بررسی کنید.

در بخشهای قبل همیشه dropout مدل recurrent برابر 0 بود. برای تکمیل آزمایشها، این مقدار را در این بخش برابر 0.05 و 0.05 قرار می دهیم تا تاثیر آن را ببینیم.



شكل 13 - نتيجه اجرا با dropout برابر 5.05

و در زیر نتیجه اجرا با dropout برابر 0.2 آمده است.



شكل 13 - نتيجه اجرا با dropout برابر 0.2

dropout روشی است که در آن تعدادی از واحد های شبکه را بصورت تصادفی حذف می کنیم. استفاده از dropout باعث می شود تا از overfitting در فرایند آموزش جلوگیری شود و عملکرد و پرفورمنس مدل بهتر شود.

اما مقدار زیاد آن هم باعث بایاس بیش از حد و واریانس کم می شود که می تواند آن هم برای مدل بد باشد و باید حد متعادل را رعایت کرد. همانطور که دیده می شود مقدار 0.2 در آزمایشها بیش از حد بوده و نتیجه را بدتر کرده است. ضمنا مقدار 0.05 هم حتی زیاد بود و نسبت به مقادیری که در بخشهای قبل با dropout برابر 0 دیدیم بدتر شد مدل.

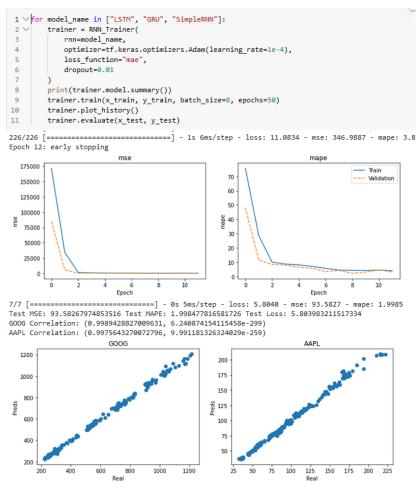
به همین دلیل این تست را روی LSTM دوباره با dropout برابر 0.01 تکرار کردیم و این مقدار، دقیقا مقدار مناسب است که توانست بهترین نتایج را بدهد و نتایج از وقتی dropout برابر بود و مقدار زیر را داشتند.

Test MSE: 109.67564392089844 Test MAPE: 3.9858860969543457

با dropout به مقدار 0.01 به نتایج زیر رسیدیم.

Test MSE: 93.58267974853516 Test MAPE: 1.998477816581726

رسیدیم که نشان می دهد از overfitting دور شدیم و generaliztion بهتری پیدا کردیم و توانستیم نتایج بهتری روی داده تست داشته باشیم.



شكل 13 - نتيجه اجراى LSTM با dropout برابر 0.01 كه بهترين نتايج را داشت

### سوال Text Generation – 2

الف) مدلی مبتنی بر شبکه عصبی بازگشتی را طراحی کنید که بتواند 200 حرف متن را تولید نماید و نمودار خطا و صحتِ مدل را رسم کنید. همچنین ذکر کنید به چه دلیل پیش پردازش انتخاب شده میتواند باعث بهبود مدل شود (برای آموزش حداقل 3 ایپاک در نظر بگیرید. همچنین انتخاب مناسب پارامترهای مدل بر عهده دانشجو میباشد)

ابتدا مجموعه داده را بارگذاری می کنیم.

CHAR TO ID: {'\t': 0, '\n': 1, ' ': 2, '!': 3, '"': 4, "'": 5, '(': 6, ')': 7, ',': 8, '-': 9, '.': 10, '/': 11, '0': 12, '1': 13, '2': 14, '3': 15, '4': 16, '6': 17, '7': 18, '9': 19, ':': 20, ';': 21, '?': 22, '^: 23, '\_: 24, 'a': 25, 'b': 26, 'c': 27, 'd': 28, 'e': 29, 'f': 30, 'g': 31, 'h': 32, '1': 33, 'j': 34, 'k': 35, '1': 36, 'm': 37, 'n': 38, 'o': 39, 'p': 40, 'q': 41, 'r': 42, 's': 43, 't': 44, 'u': 45, 'v': 46, 'w': 47, 'x': 48, 'y': 49, 'z': 50, '}': 51, '\perpression '\perpr

#### شکل 1 - بارگذاری و پیش پردازش داده

همانطور که خواسته شده مدلی که بر پایه کاراکتر باشد میخواهیم بسازیم بنابراین کاراکترها را به شماره ها نسبت میدهیم تا بتوان در مدل استفاده کرد. برای پیشپردازش نیز مهم است که ابتدا تمام حروف را lowercase کنیم زیرا اگر این کار را نکنیم تعداد کاراکترها حدودا دو برابر می شود. با این پیش پردازش باعث می شود 57 کاراکتر خاص داشته باشیم و مدل خیلی راحت تر می تواند آموزش ببیند و می توان با مدل کوچکتری متن های بهتری تولید کرد. این تعداد مستقیما در اندازه وان هات های ورودی مدل و تعداد لوجیت خروجی آن موثر است و پارامترها را تغییر می دهد و همچنین سختی مسئله را بیشتر می کند. در ادامه کار مهم است که داده مناسب برای دورش مدل بسازیم. برای این کار، هر داده آموزشی یک متن به طول 250 در نظر می گیریم. و داده خروجی آن هم 250 کاراکتر است با این تفاوت که یکی به راست شیفت خورده است. به این ترتیب مدل باید با دیدن هر حرف ورودی، بتواند حرف بعدی را حدس بزند و این کار به این ترای تمام 250 کاراکتر انجام می شود. بنابراین این پنجره 250 تایی را روی متن حرکت می دهیم و ازای تمام 250 کاراکتر انجام می شود. بنابراین این پنجره 250 تایی را روی متن حرکت می دهیم و ازای تمام 250 کاراکتر انجام می شود. بنابراین این پنجره 250 تایی را روی متن حرکت می دهیم و ازای تمام 250 کاراکتر انجام می شود. بنابراین این پنجره 250 تایی را روی متن حرکت می دهیم و

داده را درست می کنیم. در آخر برای خروجی مدل باید هر کدام از خروجی ها به شکل onehot باشند و به همین دلیل با استفاده از to\_categorical این کار را انجام می دهیم و همانطور که دیده می شود ابعاد خروجی به شکل سایز دیتا در 250 در 57 می شود. برای ورودی این اتفاق لازم تیست چون در مدل که در ادامه توضیح می دهیم از لایه Embedding استفاده می کنیم که خودش عدد می گیرد و تبدیل آن به وانهات به صورت ضمنی درونش انجام می شود و به همین دلیل ابعاد ورودی به شکل تعداد داده در 250 است.

همچنین پس از تمام این پردازشها داده را به دو بخش آموزش و تست با نسبت 0.9 و 0.1 تقسیم می کنیم تا مدل های نهایی را روی بخش تست بسنجیم و گزارش کنیم. داده validation در ادامه توضیح داده می شود که چطور ساخته خواهد شد و نیاز نیست اینجا جدا شود.

در زیر کدی که برای ساخت و آموزش مدل، ارزیابی آن، نمایش نمودارها و پیشبینی نوشته شده است آمده است.

```
class RNN_Trainer:
  def __init__(self, vocab_size, seq_length, rnn="LSTM", activation_function="relu",
                optimizer="adam", loss_function='categorical_crossentropy', units=1024) -> None:
      self.optimizer = optimizer
      self.activation_function = activation_function
      self.loss_function = loss_function
      self.rnn = rnn
      self.seq_length = seq_length
      self.model = self.build_model(vocab_size, seq_length, units)
      self.history = None
      self.training_time = None
  def build_model(self, vocab_size, seq_length, units):
      rnn_map = {
           "SimpleRNN": tf.keras.layers.SimpleRNN(units, return_sequences=True),
           "GRU": tf.keras.layers.GRU(units, return_sequences=True, dropout=0.0),
           "LSTM": tf.keras.layers.LSTM(units, return_sequences=True, dropout=0.0),
      model = tf.keras.Sequential([
          tf.keras.layers.Embedding(input_dim=vocab_size, output_dim=64, input_length=seq_length),
           rnn_map[self.rnn],
           tf.keras.layers.Dense(256, activation=self.activation_function),
           tf.keras.layers.Dropout(0.1),
           {\tt tf.keras.layers.Dense (128, activation=self.activation\_function),}
           tf.keras.layers.Dense(vocab_size, activation='softmax')
      model.compile(
           optimizer=self.optimizer,
           loss=self.loss_function,
           metrics=['accuracy']
  def train(self, tokenized_inputs, tokenized_outputs, batch_size=64, epochs=5):
      early_stopping = tf.keras.callbacks.EarlyStopping(
           monitor='val loss',
          verbose=1,
          patience=3,
          mode='min',
           restore_best_weights=True
```

```
self.history = self.model.fit(
          tokenized_inputs, tokenized_outputs,
           batch_size=batch_size,
          epochs=epochs,
           verbose=1,
          validation_split=0.1,
           callbacks=[early_stopping],
  def plot_history(self):
       fig = plt.figure(figsize=(12, 4))
      metrics = ['loss', 'accuracy']
      for n, metric in enumerate(metrics):
           plt.subplot(1, 2, n+1)
           plt.plot(self.history.epoch, self.history.history[metric], label='Train')
          plt.plot(self.history.epoch, self.history.history[f"val {metric}"], linestyle="--",
label='Validation')
          plt.xlabel('Epoch')
          plt.ylabel(metric)
          plt.title(metric)
      plt.legend()
      plt.show()
  def evaluate(self, x_test, y_test):
      [test_loss,test_acc] = self.model.evaluate(x_test, y_test)
      print("Test Loss:", test_loss, "Test Accuracy:", test_acc)
      test_preds = np.argmax(self.model.predict(x_test), axis=-1)
      y_test = np.argmax(y_test, axis=-1)
  def predict(self, start_str="ma", argmax=True, temperature=0.5):
      tokenized_current = [char_to_id[c] for c in start_str]
       for i in tqdm(range(len(tokenized_current), self.seq_length)):
          mask = np.zeros(self.seq_length)
          mask[:i] = 1
          input ids = np.zeros(self.seq length)
          input_ids[:i] = tokenized_current
          predicted_logits = self.model(inputs=np.array([input_ids]), mask=mask)
           if argmax:
              next_id = np.argmax(predicted_logits, axis=-1)[0][i - 1]
              predicted_logits = predicted_logits / temperature
              next_id = tf.random.categorical(predicted_logits[:, i - 1, :], num_samples=1).numpy()[0][0]
           tokenized_current.append(next_id)
      return "".join([id_to_char[id] for id in tokenized_current])
```

که 1 - که آموزش مدل و ارزیابی و نمودارها و پیشبینی

همانطور که دیده می شود برای ساخت مدل از مدلهای حافظه recurrent استفاده می کنیم و کد به صورتی نوشته شده که به راحتی بتوان مدل آن را بین SimpleRNN یا GRU یا GRT تغییر داد. (در بخشهای بعدی توضیحات بیشتری از این مدلها می دهیم.)

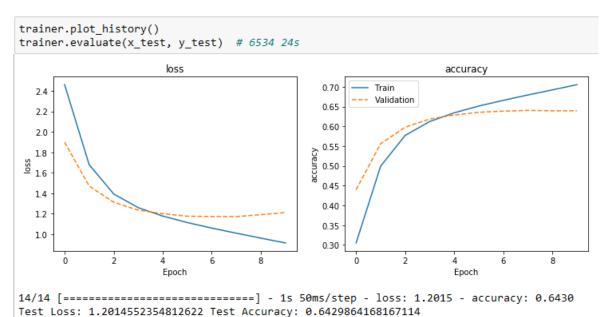
```
trainer = RNN_Trainer(vocab_size, SEQ_LENGTH,
            optimizer=tf.keras.optimizers.Adam(Learning_rate=1e-2)
print(trainer.model.summary())
trainer.train(x_train, y_train, batch_size=8, epochs=10)
Model: "sequential 32"
Layer (type)
              Output Shape
                            Param #
embedding_32 (Embedding)
                            3648
             (None, 250, 64)
1stm 32 (LSTM)
              (None, 250, 1024)
                            4460544
dense 88 (Dense)
              (None, 250, 256)
                            262488
dropout_32 (Dropout)
              (None, 250, 256)
dense 89 (Dense)
              (None, 250, 128)
                            32896
dense 90 (Dense)
              (None, 250, 57)
                            7353
Total params: 4,766,841
Non-trainable params: 0
None
Epoch 1/10
Epoch 2/10
         Epoch 3/10
         :=========] - 35s 77ms/step - loss: 1.2591 - accuracy: 0.6121 - val_loss: 1.2348 - val_accuracy: 0.618
         :==========] - 34s 76ms/step - loss: 1.1768 - accuracy: 0.6342 - val_loss: 1.2001 - val_accuracy: 0.628
447/447 [=============] - 35s 78ms/step - loss: 1.0594 - accuracy: 0.6656 - val loss: 1.1727 - val accuracy: 0.638
447/447 [===
Epoch 10/10
```

### شكل 2 - ساختار مدل و آموزش آن و نتايج بخش validation

در بالا ساختار مدل و مراحل آموزش آن و نتایج لاس و دقت روی بخش validation در طول ایپاکها دیده می شود. برای ساخت مدل ابتدا یک لایه Embedding قرار داده ایم تا هر کاراکتر داشته را به بردارهای dense به ابعاد 64 (دلخواه) تبدیل کند تا بازنمایی اولیه از هر کاراکتر داشته باشیم. سپس یک لایه LSTM قرار دادیم تا این کاراکترها را به صورت time series بگیرد و یک بازنمایی 1024 بعدی (دلخواه) از کاراکترهای زمان t و تمام زمانهای قبل t بدهد. ضمنا یک بازنمایی 1024 بعدی (دلخواه) قرار دادیم به این معنا که تمام بازنمایی ها در هر زمان t را بازگرداند تا بتوانیم به ازای هر زمان کاراکتر بعدی که قبلتر توضیح داده شد را به دست آوریم. بازگرداند تا بتوانیم به ازای هر زمان کاراکتر بعدی که قبلتر توضیح داده شد را به دست آوریم. Dense یا Feed Forward قرار دادیم با ReLU گورون به مرسوم است و در نهایت آخرین لایه که 57 نورون به

تعداد کاراکتر ها دارد و یک softmax روی آن زده می شود تا به شکل احتمالی در بیاید و هر چه کاراکتری که مدل فکر می کند بعدش می آید انتظار داریم احتمال بیشتری داشته باشد. برای آموزش مدل نیز از لاس cross entropy استفاده می کنیم که فاصله توزیع وان هاتی که ساخته بودیم را با همین خروجی سافتمکس مدل مقایسه می کند و هر چه فاصله بیشتر باشد عدد بزرگتر است و مدل سعی می کند تا با آپدیت کردن پارامترها این مقدار را کاهش دهد. ضمنا در میان لایه ها، لایه های Dropout هم گذاشتیم که با خاموش کردن رندوم درصدی از نورون ها باعث جلوگیری از overfitting و بهتر شدن validation از طریق ارگومان validation به تابع اشاره کرد که همانطور که قبلا گفته شد بخش validation از طریق ارگومان validation به تابع عاده داده می شود و کراس داده آموزش را به دو بخش تقسیم و روی یکی ترین و روی دیگری داده می شود و کراس داده آموزش را به دو بخش تقسیم و روی یکی ترین و روی دیگری را validation را اجرا می کند در طول ایپاک ها. در اخر نیز تابع evaluate را نوشتیم که این کار را روی داده تست که قبلا جدا کرده ایم و ثابت است تست می کنیم.

نتیجه آموزش و دقت و لاس بخش تست در زیر آمده است.



شكل 3 - نمودار خطا و صحت مدل و نتيجه تست

در شكل لاس و دقت تست نيز آمده است.

همانطور که دیده می شود به شکل مناسبی لاس رو به کاهش و دقت رو به افزایش است و در اواخر که کم کم داریم به overfitting می رسیم و لاس validation رو به افزایش بوده متوقف شدیم.

و حالا به توضیح بخش prediction مدل می پردازیم. برای این کار دو روش وجود دارد. یک روش این است که لایه های LSTM یا GRU می توانند state خود را خروجی دهند و می توان تک تک ورودی داد و خروجی و state آن ها را گرفت و در مرحله بعد ورودی زمان بعدی را به همراه state قبلی به آن داد. اما این کار کمی به خود مدل بستگی دارد چون مثلا LSTM دو خط انتقال دارد و GRU مثلا یکی. به همین دلیل از روش دوم استفاده می کنیم.

در روش دوم از mask استفاده می کنیم که در NLP بسیار پر استفاده است. در این مرحله مانند آموزش مدل 250 کاراکتر ورودی می دهیم و 250 تا logit هم خروجی می گیریم ولی در هر مرحله یک حرف می دهیم و باقی جمله را با mask می پوشانیم سپس حرف جدید پیش بینی شده را اضافه می کنیم و دوباره این دو حرف را می دهیم و همین کار را ادامه می دهیم. این روش در تابع predict که در بالاتر آمده پیاده شده است. ضنا برای این که هر بار argmax را بر نداریم و کمی هم بتوانیم خروجی ها متفاوت ایجاد کنیم از روش roulette wheel selection استفاده می کنیم به این شکل که احتمال برداشتن هر کدام از کاراکترها به نسبت احتمالشان در کل است. البته این روش به صورت خام خروجی های بیش از حد رندوم و بی معنا می داد که با بررسی مراجع، مثل thtps://www.tensorflow.org/text/tutorials/text generation نیز استفاده کنیم که معین می کند چه مقدار به سمت رندوم و چه مقدار به سمت بیشترین احتمال متمایل شویم و با کم کردن دما از آن رندومنس بیش از حد دور می شویم و نتایج بهتری می بینیم.



شكل 4 - نمونه هايي از خروجي هاي argmax مدل

در بالا نمونه هایی از حالت پیش بینی با استفاده از بیشترین احتمال دیده می شود. همانطور که دیده می شود، مدل نه تنها کلمات درست، بلکه جملات درستی نیز می دهد که نشان می دهد LSTM توانسته به خوبی ورودی ها در طول زمان را مدل کند و پیش بینی بعدی را به خوبی انجام دهد.

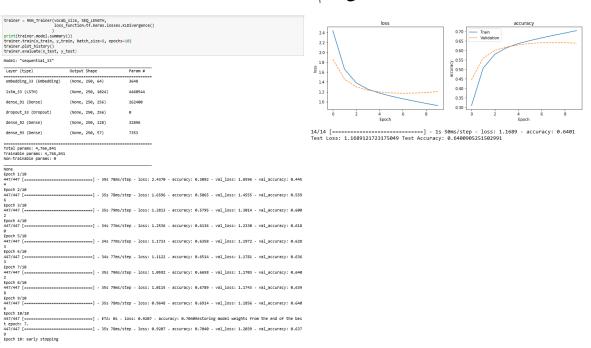


شکل 5 - نمونه هایی از خروجی های با رندوم دمایی از مدل

در بالا نمونههایی از خروجی ها وقتی با روش رندومی که توضیح داده شد آمده است. همانطور که دیده میشود جمله های کاملا متفاوتی میتوان با این روش تولید کرد. اگرچه چون همیشه بهترین گزینه مدل نبوده شاید اندکی کیفیت و ثبات argmax را نداشته باشد که البته با تنظیم دما می توان کاملا تنظیمش کرد.

### ب) با استفاده از 2 تابع زیان دیگر خطای مدل را ارزیابی کنید.

از آنجا که این مسئله حالت classification دارد، توابع خطایی که بررسی می کنیم هم باید مختص همین مسئله باشد. به همین دلیل دو تابع زیان Kullback-Leibler divergence loss که مشابه همان cross entropy loss که در بخش قبل استفاده شده است با این تفاوت که خود آنتروپی را نیز در نظر دارد و به همین دلیل مقدار آن کف یا همان مینیمم دارد که برای تفسیرپذیری بهتر کمک می کند. این لاس مخصوصا در مسائل knowledge distillation مثل مشار نامهایی مخصوصا که توزیع درست به شکل one-hot نیست و مثلا خودش توزیعی غیر 0 و 1 است. به همین دلیل تعمیم بیشتری دارد.ضمنا از تابع زیان BinaryFocalCrossentropy



شكل 6 - استفاده از لاس KL Divergence

در شکل مراحل آموزش و در نهایت نمودار و دقت و لاس روی تست آمده است وقتی که از  $H(p,q)=H(p)+D_{KL}(p\parallel q),$  هنود. لازم به ذکر است که در cross entropy که یعنی cross entropy که در بخش اول استفاده شده بود برابر مجموع entropy و که توزیع صحیح است به شکل onehot که در مسائل است. نکته جالب این است که وقتی p که توزیع صحیح است به شکل onehot که در مسائل p در مسائل و classification و اینجا داریم، آنتروپی آن برابر p می شود و در اصل کراس انتروپی معادل p که محاسبه Divergence می شود. البته باید اشاره کرد که محاسبه p

عبارت آنتروپی p، باعث می شود نسبت به محاسبه cross entropy کمی کندتر باشد که در زمانی که برای هر ایپاک صرف شده است در این بخش و مقایسه آن با بخش قبل دیده می شود. در زیر استفاده از تابع لاس BinaryFocalCrossentropy آمده است.

```
trainer = RNN Trainer(vocab size, SEO LENGTH,
                      loss function=tf.keras.losses.BinaryFocalCrossentropy()
print(trainer.model.summary())
trainer.train(x_train, y_train, batch_size=8, epochs=10)
trainer.plot_history()
trainer.evaluate(x_test, y_test)
Model: "sequential 35"
Layer (type)
                             Output Shape
                                                        Param #
 embedding_35 (Embedding)
                             (None, 250, 64)
                                                        3648
 lstm_35 (LSTM)
                             (None, 250, 1024)
                                                        4469544
                                                        262489
 dense_97 (Dense)
                              (None, 250, 256)
 dropout_35 (Dropout)
                              (None, 250, 256)
 dense_98 (Dense)
                              (None, 250, 128)
                                                        32896
 dense 99 (Dense)
                             (None, 250, 57)
                                                        7353
Total params: 4,766,841
Non-trainable params: 0
None
Epoch 1/10
447/447 [==
                                            38s 81ms/step - loss: 0.0020 - accuracy: 0.1458 - val_loss: 0.0015 - val_accuracy: 0.1784
Epoch 2/10
447/447 [=:
                                            35s 78ms/step - loss: 0.0015 - accuracy: 0.1767 - val_loss: 0.0015 - val_accuracy: 0.1779
Epoch 3/10
447/447 [=
                                            35s 78ms/step - loss: 0.0015 - accuracy: 0.2069 - val_loss: 0.0015 - val_accuracy: 0.2589
Epoch 4/10
447/447 [==:
                                          - 35s 78ms/step - loss: 0.0015 - accuracy: 0.2623 - val loss: 0.0014 - val accuracy: 0.2808
447/447 [==
                                            35s 78ms/step - loss: 0.0014 - accuracy: 0.2851 - val loss: 0.0014 - val accuracy: 0.3028
Epoch 6/10
447/447 [==
                                            35s 78ms/step - loss: 0.0014 - accuracy: 0.3034 - val_loss: 0.0014 - val_accuracy: 0.3152
Epoch 7/10
447/447 [==
                                            34s 77ms/step - loss: 0.0014 - accuracy: 0.3182 - val_loss: 0.0014 - val_accuracy: 0.3381
Epoch 8/10
447/447 [==
                                          - 35s 77ms/step - loss: 0.0014 - accuracy: 0.3413 - val_loss: 0.0014 - val_accuracy: 0.3575
Epoch 9/10
                                          - 35s 78ms/step - loss: 0.0014 - accuracy: 0.3643 - val loss: 0.0014 - val accuracy: 0.3824
447/447 [==:
Epoch 10/10
                              ========] - 35s 78ms/step - loss: 0.0014 - accuracy: 0.3853 - val_loss: 0.0014 - val_accuracy: 0.3985
447/447 [==:
                                                         0.40
   0.0019
                                                                  Validation
                                                         0.35
   0.0018
                                                       군 0.30
   0.0017
                                                       8 0.25
   0.0016
   0.0015
                                                         0.20
   0.0014
                                                         0.15
```

14/14 [========] - 1s 52ms/step - loss: 0.0014 - accuracy: 0.3976 Test Loss: 0.0013581027742475271 Test Accuracy: 0.3975837230682373

Epoch

شکل 7 - استفاده از لاس BinaryFocalCrossentropy

همانطور که دیده می شود، استفاده از این تابع باعث شد تا 10 ایپاک برای آموزش کامل مدل کافی نباشد و نتواند به دقتی که توابع قبلی رسیدند برسد. باید اشاره کرد که این لاس و به طور

خاص بخش Focal اشاره به روشی دارد که در مقاله سال Focal به آدرس مساده الله Focal اشاره به روشی دارد که در مقاله سال Focal است که باعث می شود نمونه هایی که ساده الله الله الله الله خوبی یاد گرفته است (یعنی لوجیت ها خیلی شبیه وان هات درست شده اند) ارزش کمتری می یابند و تمرکز مدل بیشتر روی example هایی که کمتر یاد گرفته است می رود. همین موضوع می تواند از علل کندتر آموزش دیدن باشد چون بعد از کمی دیگر مواردی که ساده یاد گرفته شدند تاثیر کمتری در یادگیری پارامترها هم خواهند داشت و پارامترها به سرعت لاس های قبلی آموزش نمی یابند.

در مجموع هر کدام از این لاس ها ویژگی های خاص خود را دارند و باید در کنار هایبرپارامترهای دیگر مثل تعداد ایپاک یا learning rate های مختص خود سنجیده شوند. اما همانطور که نشان داده شد از همگی می توان برای آموزش این مسئله classification بهره برد.

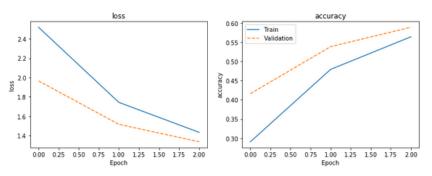
# ج) با استفاده از 2 معیار متفاوت عملکرد مدل را بررسی کنید. (این معیارها میتواند شامل تعداد ایپاک، بهینه ساز و ... باشد.)

در این بخش به تغییر تعداد ایپاک و خود مدل (LSTM یا GRU) میپردازیم. برای اطمینان در آخر تغییر learning rate را نیز بررسی میکنیم.

ابتدا تعداد ایپاک 3 و 5 قرار می دهیم و با 10 که قبل تر بود مقایسه می کنیم.

Edjer (ejpe)	output Shu	PC	1010111111
embedding_36 (Embedding)	(None, 250	, 64)	3648
lstm_36 (LSTM)	(None, 250	, 1024)	4460544
dense_100 (Dense)	(None, 250	, 256)	262400
dropout_36 (Dropout)	(None, 250	, 256)	0
dense_101 (Dense)	(None, 250	, 128)	32896
dense_102 (Dense)	(None, 250	, 57)	7353

Total params: 4,766,841 Trainable params: 4,766,841 Non-trainable params: 0



14/14 [=========================] - 1s 52ms/step - loss: 1.3318 - accuracy: 0.5896 Test Loss: 1.3317735195159912 Test Accuracy: 0.5896470546722412

### شکل 8 - آموزش با 3 ایپاک

همانطور که دیده می شود 3 ایپاک هنوز کافی نبوده و هنوز جای برای بهبود دارد. ضمنا لاس و دقت به ترتیب برابر 1.33 و 0.5896 است که باید در مقابل ایپاک 10 که در سوال های قبل دیدیم و به ترتیب برابر 1.20 و 0.6429 بود دید که مشخصا هنوز 3 ایپاک کافی نیست.

```
# EPOCH 5
trainer = RNN Trainer(vocab size, SEQ LENGTH)
print(trainer.model.summary())
trainer.train(x_train, y_train, batch_size=8, epochs=5)
trainer.plot_history()
trainer.evaluate(x_test, y_test)
```

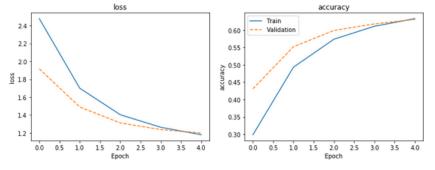
Model: "sequential\_37"

Laura (trans)	Outside Share	
Layer (type)	Output Shape	Param #
embedding_37 (Embedding)	(None, 250, 64)	3648
lstm_37 (LSTM)	(None, 250, 1024)	4460544
dense_103 (Dense)	(None, 250, 256)	262400
dropout_37 (Dropout)	(None, 250, 256)	0
dense_104 (Dense)	(None, 250, 128)	32896
dense_105 (Dense)	(None, 250, 57)	7353

Total params: 4,766,841

Trainable params: 4,766,841 Non-trainable params: 0

```
None
Epoch 1/5
447/447 [==
               ========] - 38s 80ms/step - loss: 2.4778 - accuracy: 0.2988 - val_loss: 1.9168 - val_accuracy: 0.431
447/447 [==
            =========] - 34s 77ms/step - loss: 1.6999 - accuracy: 0.4931 - val_loss: 1.4903 - val_accuracy: 0.552
447/447 [=
            Epoch 4/5
447/447 [=
             447/447 [
                  :=======] - 35s 78ms/step - loss: 1.1804 - accuracy: 0.6329 - val_loss: 1.1995 - val_accuracy: 0.630
```

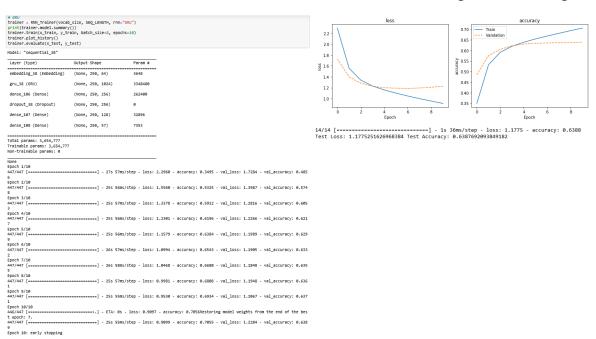


14/14 [------] - 1s 51ms/step - loss: 1.1919 - accuracy: 0.6322 Test Loss: 1.191850185394287 Test Accuracy: 0.6321991086006165

شکل 9 - آموزش با 5 اییاک

با استفاده از 5 ایپاک می بینیم که لاس و دقت به ترتیب برابر 1.19 و 0.6321 شده است. در اینجا نکته جالبی را می بینیم که لاس کمتر شده است اما دقت نه. این می تواند به این دلیل باشد که مواردی که مدل درست می گوید با اطمینان بیشتری می گوید و لاس را کم می کند اما تعداد چیزهایی که درست تشخیص میدهد کمتر از اجرا با 10 ایپاک است. اما می توان در مجموع این 5 ایپاک را حالتی بین 3 و 10 دانست که هنوز کمی جا دارد تا بیشتر آموزش یابد. و حالا مدل را به GRU تغییر می دهیم و تاثیر آن را بررسی می کنیم.

اولین نکته این است که GRU مدلی ساده تر نسبتا به LSTM دارد که در بخش بعدی بیشتر توضیح داده می شود. و چیزی که دیده می شود این است که با همان ابعاد سوال قبل، تعداد پارامتر از 4,766,841 در LSTM به 3,654,777 کاهش یافته و این مورد در زمان آموزش هم مشخص است که کاهش یافته است.



شكل 10 - آموزش با مدل GRU

در تصویر، آموزش مدل با GRU و نتیجه نهایی تست آن آمده است. دیده می شود که لاس و دقت تست به ترتیب برابر 1.17 و 0.6387 شده است. باز هم می بینیم که مدل از نظر دقت به مدل LSTM نتوانسته برسد که می توان آن را به علت تعداد پارامتر کمتر آن و ساده تر بودن عملیات داخلی آن دانست. اما خب از نظر سرعت می تواند گزینه مناسبی باشد.

در انتها برای اطمینان، مقدار lr روش adam را از حالت دیفالت 0.001 به 0.1 تغییر می دهیم تا تاثیر انتخاب lr مناسب را ببینیم.

Model: "sequential\_39"

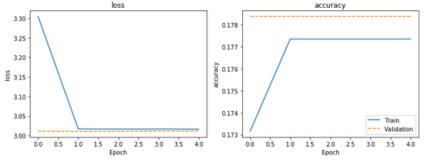
Layer (type)	Output Shape	Param #
embedding_39 (Embedding)	(None, 250, 64)	3648
lstm_39 (LSTM)	(None, 250, 1024)	4460544
dense_109 (Dense)	(None, 250, 256)	262400
dropout_39 (Dropout)	(None, 250, 256)	0
dense_110 (Dense)	(None, 250, 128)	32896
dense_111 (Dense)	(None, 250, 57)	7353

\_\_\_\_\_\_

Total params: 4,766,841 Trainable params: 4,766,841 Non-trainable params: 0

None

```
Epoch 1/10
447/447 [==
                                         - 38s 80ms/step - loss: 3.3041 - accuracy: 0.1731 - val_loss: 3.0113 - val_accuracy: 0.1784
Epoch 2/10
447/447 [==
                                          - 34s 77ms/step - loss: 3.0169 - accuracy: 0.1773 - val_loss: 3.0110 - val_accuracy: 0.1784
Epoch 3/10
                                         - 34s 76ms/step - loss: 3.0165 - accuracy: 0.1773 - val loss: 3.0111 - val accuracy: 0.1784
447/447 [==
Epoch 4/10
447/447 [==
                                           35s 79ms/step - loss: 3.0165 - accuracy: 0.1773 - val_loss: 3.0117 - val_accuracy: 0.1784
Epoch 5/10
447/447 [=:
                                           ETA: 0s - loss: 3.0161 - accuracy: 0.1773Restoring model weights from the end of the best epoc
h: 2.
447/447 [====
                                         - 35s 79ms/step - loss: 3.0161 - accuracy: 0.1773 - val loss: 3.0115 - val accuracy: 0.1784
Epoch 5: early stopping
```



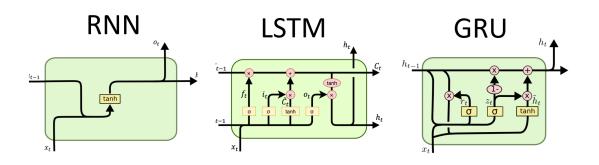
### شكل 11 - آموزش با نرخ يادگيري 0.1

در شکل بالا، یادگیری با نرخ یادگیری 0.1 به جای 0.001 دیده می شود. همانطور که دیده می شود دیگر یادگیری به درستی انجام نمی شود و مدل نمی تواند اصلا به خوبی همگرا شود چون انقدر نرخ بزرگ است که به جای نزدیک شدن به مینیمم لاس، اصطلاحا overshoot داریم و اصلا نمی توان دیگر با ریزدانگی کافی یادگیری داشت. بنابراین انتخاب learning rate مناسب نیز از موارد مهمی است که در بخشهای قبلی به خوبی انجام شده بود.

## د) چگونه حافظه سلولهای عصبی استفاده شده در مدل شما در عملکرد مدل موثر ست.

داده متن را می توان یک داده در طول زمان دانست و در این مسئله هر کاراکتر در یک زمان آمده است. اگر می خواستیم یک مدل ثابت برای کل متن داشته باشیم همیشه ورودی باید سایز ثابتی می شد و ضمنا مدل خیلی بزرگ می شد چون باید مثلا به ازای تمام طول زمان پارامتر می داشت. سلولهای حافظه باعث می شوند نیاز به مدل بزرگ نباشد و هر بار صرفا روی یک زمان اجرا می شوند و همچنین با ارسال hidden state به زمان بعدی باعث می شوند که مدل بتواند خلاصهای از گذشته را نیز داشته باشد. به این ترتیب برای این مسئله بهترین روش استفاده از مدل هایی است که مخصوص ترتیب زمانی ساخته شده اند.

در شکل زیر ساختار معماری RNN و GRU و LSTM آمده است.



شكل 12 - ساختار مدلهاى حافظه محور زماني

معماری LSTM سه گیت دارد. گیت سمت چپ forget gate سیگموید دارد و با ضرب خروجی آن که بین 0 و 1 است، مشخص می کند که محتویات muیگموید دارد و با ضرب خروجی آن که بین 0 و 1 است، مشخص می کند که محتویات state گذشته چقدر نگهداری شود. (توجه داشته باشید که این مقدار یک عدد نیست و به ازای هر بعد این عدد وجود دارد و می تواند بعضی ابعاد را فراموش و بعضی را نگه دارد.) گیت وسط input gate است که مشخص می کند چه مقدار از ورودی جدید وارد cell state شود که با ضرب سیگموید در مقدار ورودی که از tanh رد شده و در انتها جمع آن با cell state انجام می شود. در سمت راست output gate وجود دارد که ترکیب hidden state و همچنین به عنوان می شود.

معماری GRU مهمترین تفاوتی که دارد این است که به جای دو خط cell state و GRU معماری state معماری treset gate است که با state

ضرب خروجی بعد از سیگموید در h مرحله قبلی تاثیر آن را در ترکیب با ورودی جدید مشخص می کند. سمت راست نیز update gate است که خروجی بعد از سیگموید را همزمان استفاده از می کند تا میزان اضافه کردن مقدار جدید بر روی h را مشخص کند و همچنین با استفاده از معکوس آن و ضربش در h قبلی تاثیر آن را کاهش می دهد. در مجموع GRU نسبت به LSTM محاسبات کمتری دارد و با سرعت بیشتری می تواند اجرا شود، و در مقابل آن، پیچیدگی های بیشتر h یشتر در انتقال اطلاعات را دارد.

با این توضیحات الان روشن تر است که این مدل ها می توانند توالی کاراکترهای زمان 0 تا t-1 را در حافظه خود داشته باشند و بخشهای مهم را نگه دارند و یا بخشهایی که دیگر کاربرد ندارند را forget کنند و در نهایت به خوبی گزینه های مناسب را برای زمان t را خروجی دهند. در صورتی که اگر همچین گزینه ای نداشتیم مثلا به ngram با t خاصی محدود می شدیم و نمی توانستیم که اگر همچین گزینه ای نداشتیم مثلا به خوبی بازنمایی کنیم و در نهایت مثلا t داشتیم که فقط t کاراکتر قبلی را داشت. ولی الان کل زمانهای قبلی را داریم. (البته باید اشاره کرد که از مشکلات این روشهای جدای از کند بودن به علت مشکل در اجرای موازی، به خوبی نگه نداشتن t blong dependency ها در متنهای پیچیده تر است که مدلهای t ctransformer می مانند t این مشکلات را برطرف می کنند.)

#### سوال Contextual Embedding + RNNs - 3

1 -چه پیش پردازش هایی روی داده ها صورت گرفته است؟ نام ببرید و در خصوص هر یک توضیح مختصری ارائه دهید (اگر به نظرتان پیش پردازش های دیگری نیز برای دادگان نیاز است، آن ها را نام برده و اعمال کنید).

اولین پیشپردازش که دیده می شود تغییر منشن ها مثل @mayasolovely است. علت این کار این است که برای تشخیص توهین نباید خود اسم ها و ای دی ها مهم باشند، مثلا ممکن است یک یوزر همیشه توییت های توهین آمیز داشته باشد و مدل یاد می گیرد و هر چه در آن یوزر خاص باشد را به صورت بایاس شده توهین تشخیص می دهد. ضمنا وجود ها ها یک ویژگی خاص و گذرا است. از این نظر که در این دیتاست یک سری ای دی خاص وجود دارد و اگر مدل با آنها آموزش یابد بعدا برای استفاده از محیط production که دیگر این ای دی ها کمترند و ای دی های دیگری هستند می تواند مشکل ایجاد کند و توزیع آموزش با محیط تست متفاوت شود. (ضمنا استفاده از این ای دی ها مشکلات حریم شخصی هم ممکن است داشته باشد.)

پیش پردازش دیگر این است که ایموجی ها مثل شک مقدار <emotion> گذاشته شده است. این مورد هم چون اصل ایموجی ها توالی کاراکترهای خاصی هستند و احتمال زیاد مدل روی دادهای که در ایموجی بوده آموزش ندیده است باید انجام شود. وگرنه ایموجی یک سری اطلاعات گنگ برای مدل خواهد بود. البته اینکه هر ایموجی به یک مقدار برسد خیلی کار خوبی نیست و اگر به جای آن اسم خاص آن ایموجی مثل خنده گذاشته می شد می توانست بیشتر به مدل کمک کند.

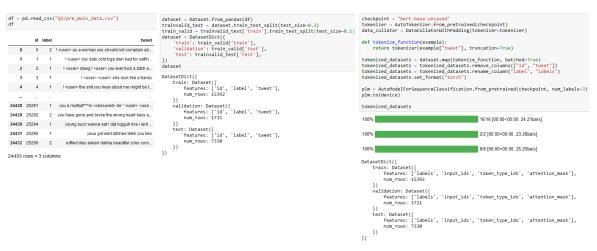
ضمنا لینکها نیز به <url> مپ شده اند و باز هم خوب است جون متنی که در یک url است می تواند برای مدل گمراه کننده باشد. (البته اگر مدل در پیش آموزش خود لینک هم دیده باشد شاید خوب باشد ولی احتمالا مدلهایی که داریم اینطور نیستند و اطلاع خاصی درباره لینک ها ندارند.)

همچنین کاراکترهای اضافه مثل " یا & یا # که ارزش معنایی برای این تسک ندارند حذف شدهاند.

و البته تمام کاراکتر ها به حالت lowercase تغییر داده شدهاند. که البته این انتخاب کمی قابل بحث است چون مدلهای قوی تر ممکن است بتوانند از همان Case هم اطلاعاتی به دست آورند. مثل اینکه GOOD با good بار معنایی متفاوتی دارند. البته اگر مثلا از مدل bert-uncased استفاده شود طبیعتا تفاوتی نیست و در نهایت مدل اصلا case نداشته. ولی شاید مدلی که کیس داشته باشد در این تسک کمک کند ولی این مورد باید امتحان شود و نمی توان همینطوری به صورت قطعی گفت کیس در این مسئله کمک می کند یا ضرر دارد. (اما طبیعتا lowercase کردن ورودی ها را ساده تر می کند و مدلهایی که سبکترند راحت تر می توانند کار کنند و بحثهای قبلی مربوط به مدلی بود که قوی باشد و بتواند بهره ببرد از آن اطلاعات)

## 2 -به کمک bert و یکی از ماژول های حافظه (rnn ،lstm یا gru) یک مدل طراحی کنید و روی داده ها آموزش دهید. نمودار دقت، نمودار loss و ماتریس آشفتگی را رسم کنید.

ابتدا خواندن داده را بررسی می کنیم.



شکل 1 - بارگذاری داده و توکنایز کردن آن

در تصویر مشخص است که ابتدا داده ها بارگذاری می شوند و سپس با استفاده از train\_test\_split اول 30 درصد داده را برای تست کنار می گذاریم. (چون دیتاست نسبتا کوچک است درصد بیشتری از دیتا لازم است تا عملکرد مدل به خوبی سنجیده شود و دیتای

بخش تست کم نباشد.) و از 70 درصد باقیمانده 10 درصد برای validation و 90 درصدش را برای آموزش می گذاریم که تعداد دقیق هر بخش در تصویر هم آمده است.

سپس توکنایزر و مدل برت را بارگذاری کردیم و دیتاست را با آن توکنایز کردیم. این کار موارد مورد نیاز برای اجرا را میسازد مثل input\_ids که عدد توکن های متن است. ضمنا بعد این کار ستون های بی استفاده در مدل مثل متن توییت را حذف می کنیم و در نهایت به حالت تنسور های تورچ داده را منتقل می کنیم تا با تورچ به آموزش بپردازیم.

حالا مدل طراحی شده را بررسی می کنیم.

```
class Head(torch.nn.Module):
        def __init__(self, input_size=768, num_classes=3):
        super().__init__()
        self.lstm = torch.nn.LSTM(input_size=input_size,
                                 hidden_size=384, num_layers=1,
                                 bidirectional=True, batch_first=True).to(device)
        net_list = [
        torch.nn.Linear(768, 512),
        torch.nn.Tanh(),
        torch.nn.LayerNorm(512),
        torch.nn.Dropout(0.1),
        torch.nn.Linear(512, num_classes)
        self.label_net = torch.nn.Sequential(*net_list).to(device)
        self.training_criterion = torch.nn.CrossEntropyLoss()
        self.optimizer = torch.optim.Adam(self.parameters(), lr=5e-4, weight_decay=0)
        self.to(device)
        def forward(self, plm_last_hidden_states): # ~[8, 34, 768]
        x, (hn, cn) = self.lstm(plm_last_hidden_states)
        x = x[:, -1, :] # Last LSTM
        x = self.label_net(x)
        return x
```

کد 1 - هد اضافه شده روی بازنمایی های برت

در کد بالا، هدی که روی بازنمایی های برت اجرا می کنیم و آموزش می یابد دیده می شود. همانطور که خواسته شده بود از یک مدل LSTM استفاده کردیم و سپس خروجی آن را به یک FFN یا MLP می دهیم و در انتها به تعداد کلاس ها که 3 است نورون داریم. برای اپتیمایزر از adam استفاده می کنیم و لاس مدل را کراس انتروپی انتخاب کردیم. همچنین از لایه های dropout نیز استفاده کردیم تا از overfitting با خاموش کردن رندوم بعضی از نورون ها در هر مرحله جلوگیری شود.

```
class Trainer:
    def __init__(self, plm, tokenized_datasets):
    self.plm = plm.to(device)
    self.tokenized_datasets = tokenized_datasets
    self.head = Head().to(device)
    self.dataloaders = {}
```

```
self.dataloaders["train"] = DataLoader(
           tokenized_datasets["train"], shuffle=True, batch_size=8, collate_fn=data_collator
           print(self.head)
           for epoch in tqdm(range(epochs)):
           plm.eval()
           self.head.train()
           running loss = 0.0
           steps =
           for batch in tqdm(self.dataloaders["train"]):
                      batch = {k: v.to(device) for k, v in batch.items()}
                      outputs = self.plm(**batch, output_hidden_states=True, return_dict=True)
                      hidden_states = torch.stack([val.detach() for val in outputs.hidden_states]) # ~[13, 8, 34, 768]
                      last_hidden_states = hidden_states[-1].to(device)
                      output = self.head(last_hidden_states)
                      loss = self.head.training_criterion(output.to(device), torch.tensor(batch["labels"], dtype=torch.long))
                      loss.backward()
                      self.head.optimizer.step()
                      self.head.optimizer.zero grad()
                      running_loss += loss.item()
                      steps +=
           self.update history(epoch)
           self.plot history()
           def calc_loss(self, tokenized_dataset, print_metrics=False, desc=""):
           dataloader = DataLoader(
           tokenized_dataset, batch_size=8, collate_fn=data_collator
           self.head.eval()
           with torch.no_grad():
           running_loss =
           steps =
           preds = None
           for batch in tqdm(dataloader, desc=desc):
                      batch = {k: v.to(device) for k, v in batch.items()}
                      outputs = self.plm(**batch, output_hidden_states=True, return_dict=True)
hidden_states = torch.stack([val.detach() for val in outputs.hidden_states]) # ~[13, 8, 34, 768]
                      last_hidden_states = hidden_states[-1].to(device)
                      output = self.head(last_hidden_states)
                      preds = output if preds == None else torch.cat((preds, output), 0)
                      loss = self.head.training_criterion(output.to(device),
                                                        torch.tensor(batch["labels"].clone().detach(), dtype=torch.long))
                      running_loss += loss.item()
                      steps +=
           preds = preds.cpu().argmax(-1)
           y_true = np.array(tokenized_dataset["labels"])
           accuracy = sklearn.metrics.accuracy_score(y_true, preds)
           report = classification_report(y_true, preds)
           if print metrics:
           print(report)
          self.plot_cm(y_true, preds)
return running_loss / steps, accuracy
           def update_history(self, epoch, train_loss = None):
           for part in ["train", "validation", "test"]:
loss, accuracy = self.calc_loss(self.tokenized_datasets[part], desc=f"{part} loss", print_metrics=part=="test")
           self.history["loss"][part].append(loss)
          self.history["accuracy"][part].append(accuracy)
print(f"[Epoch {epoch + 1}] loss: {self.history['loss']['train'][-1]}, val_loss:
{self.history['loss']['validation'][-1]}")
           def plot_history(self):
           for metric in ["loss", "accuracy"]:
           loss_history = self.history[metric]
           plt.plot(loss_history["train"])
           plt.title(f"{metric} history")
plt.legend(['Train', 'Validation'])
           plt.show()
          print("Test Accuracy:", self.history["accuracy"]["test"][-1])
           def plot_cm(self, y_true, preds):
           cm = confusion_matrix(y_true, preds)
```

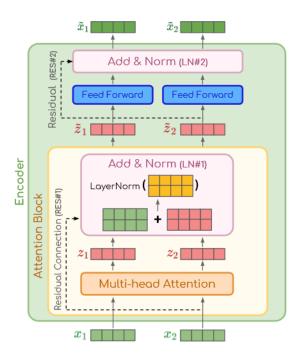
```
plt.figure(figsize=(7, 5))
    ax = sns.heatmap(cm, annot=True, fmt="d")
    bottom, top = ax.get_ylim()
    ax.set_ylim(bottom + 0.5, top - 0.5)
    plt.title('Confusion Matrix')
    plt.ylabel('True Label')
    plt.xlabel('Predicted Label')
    plt.show()

trainer = Trainer(plm, tokenized_datasets)
trainer.train(epochs=3)
```

کد 2 - آموزش و ارزیابی

در کد بالا آموزش مدل، ارزیابی و کشیدن نمودارهای خواسته شده آمده است. برای آموزش مدل ابتدا Pretrained Language Model اجرا می شود و خروجی های hidden state آن که همان بازنمایی ها در تمام لایه ها است گرفته می شود. سپس خروجیهای لایه آخر را به هدی که بالاتر آورده شد می دهیم و در انتهایش سه نورون نهایی را می گیریم.

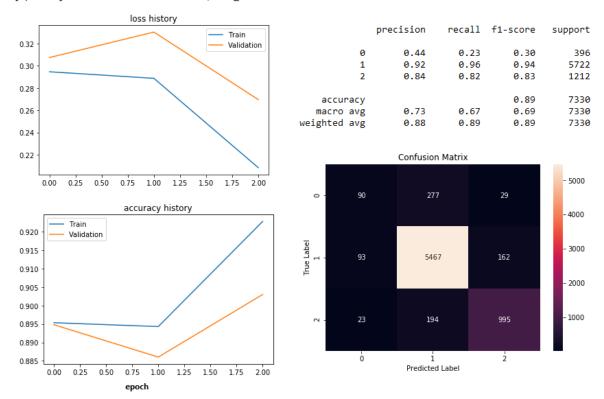
ساختار برت که برای بازنمایی اولیه استفاده کردیم را توضیح می دهیم. همانطور که می دانیم لایه 0 همان لایه امبدینگ است که از وان هات ووکب به بازنمایی 768 (در مدل های بیس) بعدی می برد. در ادامه اولین امبدینگ است که از وان هات ووکب به بازنمایی self attention و self attention و فیدفوروارد و یک لایه از 12 لایه encoder را می بینیم که از بخشهای اول با استفاده از روش attention که در مقاله مناله دیگر تشکیل شده است. در بخش اول با استفاده از روش q, k, v مقاله در مقاله transformer توضیح داده شده است به شکل استفاده از q, k, v توجه هر توکن به توکنهای دیگر را به دست می آوریم. در بخشهای بعدی دو residual connection داریم که ورودی را با خروجی جمع می کنند که نشان داده شده است به مدل کمک می کند و همچنین از مشکل vanishing gradients جلوگیری می کند. همچنین مدل dense هم داریم که اگر ترکیب خاصی لازم بود بتواند یاد بگیرد و اجرا کند که تفسیر پذیری سخت تری دارد.



شكل 2 - بخش encoder ترنسفورمرها (برگرفته از https://arxiv.org/pdf/2205.03286.pdf)

در شكل بالا بخشهايي كه توضيح داده شد از شكل مقاله https://arxiv.org/pdf/2205.03286.pdf آمده است.

نتیجه اجرا در زیر آمده است.



[Epoch 3] loss: 0.20837957021928433, val\_loss: 0.26956581089985077

شكل 3 - نمودار دقت، لاس و ماتريس آشفتگي

در بالا نمودار خطا دیده می شود که به درستی رو به کاهش است. (به علت محدودیت زمان و منابع محاسباتی به 8 ایپاک اجرا کفایت کردیم.) همچنین دقت نیز به درستی رو به افزایش است. در ماتریس آشفتگی هم دیده می شود کلاس 1 و 2 بهتر تشخیص داده شده اند و کلاس 0 که خیلی ساپورت کمی داشته کمی بدتر عمل می کند. ضمنا مقادیر precision و 1 و دقت نیز در شکل آمده است که نشان از آموزش مناسب مدل است.

Test Loss: 0.2809

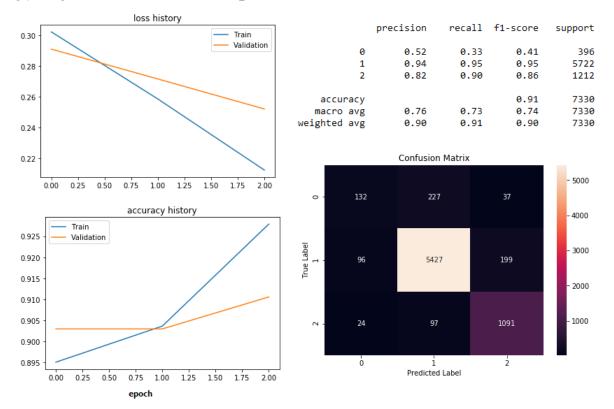
Test Accuracy: 0.8938

مقدار لاس و دقت تست در بالا نيز با اعشار دقيق تر آمده است.

#### 3 -در قسمت 2 ،به جای bert از hatebert استفاده کنید.

در این بخش با همان کد بخش قبل آزمایش را انجام میدهیم تنها با این تفاوت که مدل را از برت به GroNLP/hateBERT تغییر میدهیم.

[Epoch 3] loss: 0.21240579836378395, val\_loss: 0.2520149628170461



شکل 3 - نمودار دقت، لاس و ماتریس آشفتگی برای هیت برت

در شکل بالا نمودار لاس و دقت و ماتریس آشفتگی که خواسته شده بود آمده است. این بار دقتها همگی بهتر شدند و به دقت 91 درصد رسیدیم. مقدار دقیق در پایین آمده است.

Test Loss: 0.2576

Test Accuracy: 0.9072

توضیح علت این اتفاق در سوال بعد آمده است.

### 4 -نتایج قسمت 2 و 3 را با هم مقایسه کرده و علت طراحی شدن مدل هایی نظیر hatebert را توضیح دهید.

همانطور که دیده شد، دقتهای مدل hatebert بهتر از مدل برت عادی بود (91 درصد و 89 درصد). برای فهمیدن علت باید نحوه آموزش را در نظر گرفت. برت عادی روی دیتای کتاب و ویکیپدیا فقط آموزش دیده است که متنهای نسبتا تمیز و مودبانهای محسوب می شوند. بنابراین برای همان دیتا هم می توان به شکل خوبی عمل کند.

اما مدل hatebert که در مقاله Reddit بوده که به علت hatebert آمده است روی دیتاستی آموزش دیده که از بخشهایی از Reddit بوده که به علت hateful بودن بن شدهاند. به همین دلیل به خوبی این مدل هم با ووکب این نوع صحبت، و همچنین جملات و مصداقهای آن بسیار آشنا است. به همین دلیل همانطور که در مقاله نوشته شده و همچنین آزمایش ما هم تایید کرد، برای این مسئله که تشخیص تنفر است توانست بهتر از مدل عادی برت عمل کند. لازم به ذکر است که این موضوع بزرگتر از فقط تنفر است. مثلا در مقاله دادن مقاله ملل عادی برت عمل کند. الازم به ذکر است که این موضوع بزرگتر از فقط تنفر است. مثلا در بقاله مقاله مقاله مدادن میشود دادن میشود دادن بهبود ایجاد کند بنابراین در کل روی هر حوزه خاص اگر پیشآموزش مدل بزشکی یا غیره می تواند بهبود ایجاد کند بنابراین در کل روی هر حوزه خاص اگر پیشآموزش مدل جامع تر باشد باعث بهبود دقت نهایی مدل می شود که از آشنایی بیشتر مدل با آن حوزه خاص ناشی می شود.

#### 5) -ا<mark>متیازی</mark>) به جای استفاده از bert در قسمت 2 ،از مدل T5 استفاده کنید. ویژگی منحصر به فرد این مدل نسبت به مدل های قبل چیست؟

مدل T5 جزء دسته مدلهای sequence to sequence دارد. مدل های بخش قبل که برت بودند یا مدلهای بخش encoder و هم بخش decoder دارد. مدل های بخش قبل که برت بودند یا مدلهای خدیگر مشابه آن مثل ELectra, Roberta, albert, XLNet همگی فقط لایههای sequence to sequence همگی فقط که مثل دارند و ورودی را به فضای مخفی می برند. اما در مدلهای encoder وجود دارد و سپس بخش ترنسفورمر اولیه و اخیرا مدلهای t5 یا BART هم بخش encoder وجود دارد و سپس بخش می طوید بکند. موارد کاربرد آن مانند ترجمه، خلاصه سازی متن و ... است. یک ویژگی خاص که مدل T5 دارد این است که تمام تسک های NLP را به صورت مسئله متن به متن می بیند. مثلا ورودی می تواند متن

.translate English to German: The house is wonderful

باشد به این صورت که توضیح تسک و سپس متن آمده است. روی دیتاستهای دیگری از GLUE هم این مدل آموزش دیده که مثلا میتواند تسک inference را انجام دهد اما همه به صورت متن به متن. این اتفاق نشان داده شده که میتواند مدلی نسبتا جامع بسازد.

برای اینکه کد ما از مدلهای sequence to sequence هم پشتیبانی کند قطعه کد زیر اضافه شد.

```
if self.seq_to_seq:
    outputs = self.plm(input_ids=batch["input_ids"], decoder_input_ids=batch["input_ids"], output_hidden_state
    encoder_hidden_states = torch.stack([val.detach() for val in outputs.encoder_hidden_states])
    decoder_hidden_states = torch.stack([val.detach() for val in outputs.decoder_hidden_states])
    last_hidden_states = decoder_hidden_states[-1].to(device)
else:
    outputs = self.plm(**batch, output_hidden_states=True, return_dict=True)
    hidden_states = torch.stack([val.detach() for val in outputs.hidden_states]) # ~[13, 8, 34, 768]
    last_hidden_states = hidden_states[-1].to(device)
```

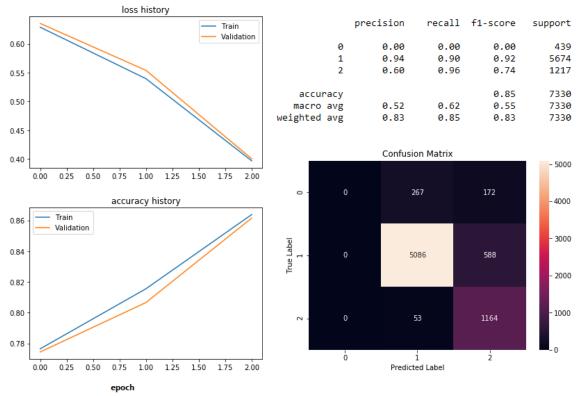
شكل 4 - كد گرفتن استيتها از مدل T5

همانطور که دیده می شود دیگر فقط یک بخش نیست و هم hidden state ها برای encoder هست و هم برای لایه های بعدی یعنی decoder. ضمنا ورودی هم دوتا است، یکی encoder داده می شود. مثلا در زمان آموزش به عورت teacher ورودی encoder ورودی encoder می تواند متن باشد و ورودی decoder یکی شیفت خورده باشد. در این مورد در مقاله ترنسفورمر اولیه توضیح داده شده است.

ضمنا به علت محدودیت ها، از مدل t5-small استفاده می کنیم که ابعادش 512 است. (مدل بیس روی گرافیک من جا نشد).

نتایج در زیر آمده است.

[Epoch 3] loss: 0.3970636044805114, val\_loss: 0.4006013709738433



شكل 5 - نتايج مدل t5

همانطور که دیده می شود در نمودارها، خطا به خوبی در حال کاهش و دقت به خوبی رو به افزایش است و تا ایپاک سوم به 85 درصد رسیده که باز هم بخاطر محدودیت زمان و منابع بیشتر آموزش ندادیم. اما باید دقت داشت که این مدل ابعاد بازنمایی 512 دارد در مقابل 768 مدلهای قبلی و همچنین وزن کل پارامترهایش حدودا نصف مدلهای قبلی است، بنابراین این دقت به دست آمده مناسب است.

# امتیازی 91 درصد

در بخش hatebert دیدیم که به دقت 91 درصد رسیدیم.